

حاتم طایی در زمان بعد از مرگ نیز دست از سخاوت و جوانمردی بر نداشت.

آورده اند که جمعی از بنی امیه شبی را در کنار قبر حاتم به صبح رساندند، یکی از آن جماعت که ابی الخیر نام داشت،

چند بار به سر قبر حاتم رفت و گفت: ما را امشب میهمان کن که به تو وارد شده ایم!!

همراهان، ابی الخیر را چند بار از این کار منع کردند.

سحر چون اراده رفتن کردند. ابی الخیر گفت: دیشب خواب دیدم که حاتم از گور بیرون آمده و شتر مرا پی کرده است.

چون نزدیک شتر رفتند، شتر قادر به حرکت نبود، پس آن را کشته و خوردند.

چون گذر آنها بر قبیله طی افتاد، پسر حاتم را دیدند که شتری را گرفته، می آورد و می گوید: ابی الخیر کیست؟

پسر حاتم آن شتر را به ابی الخیر تسلیم کرد و گفت: پدرم دیشب در خواب به من گفت: من شتر ابی الخیر را جهت او و

همراهانش بکشتم. عوض آن بده.